



«توسعه ملی» فرایندی بسیار پیچیده، فراگیر و پویاست که طی آن، جامعه از یک دوران تاریخی به دوران جدیدی انتقال می‌یابد.

مقدمه
 به‌رغم تعریف‌های بی‌شمار موجود از فرهنگ، جملگی آن‌ها در چند ویژگی با یکدیگر دارای وجه اشتراک هستند. از آن جمله می‌توان به ماهیت جمعی فرهنگ، ظهور آن در طی زمان، شکل‌دادن به همه چیز در بستر و تأثیر و تأثر متقابل آن با جامعه و اجزاء و عناصر آن اشاره کرد. از این‌رو شناخت نقش و جایگاه فرهنگ، با توجه به ویژگی‌های مذکور در اسناد و برنامه‌های توسعه، به‌ویژه در سند چشم‌انداز، نیازمند بررسی ساختار و محتوای این اسناد و برنامه‌هاست.

ساختار و محتوای اسناد و برنامه‌های توسعه در کشور
 ساختار اسناد و برنامه‌های کلان توسعه کشور دارای ترتیبی منطقی به شرح زیر است:

سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله کشور
 سیاست‌های کلی برنامه چهارم
 قانون برنامه چهارم توسعه - قوانین سالانه بودجه کل کشور و دستورالعمل‌های مربوطه

آیین‌نامه‌های اجرایی قانون برنامه
 اسناد مبتنی بر برنامه چهارم
 شامل اسناد توسعه فرابخشی، بخشی و استانی

برنامه‌های راه‌بردی
 برنامه‌های عملیاتی

شکل شماره ۱: ساختار اسناد و برنامه‌های توسعه کشور

این ساختار اسناد و برنامه‌های توسعه در کشور، حکایت از پذیرش نظری یک برنامه جمعی ذهنی دارد که عزم جمعی در دهه اخیر در تدوین و تثبیت آن‌ها دخیل و مصمم بوده است و بعد از تدوین و ارائه بر پایه یک نظم منطقی، آن‌ها را مبنای همه فعالیت‌ها در کشور قرار داده است. در واقع، این ساختار نشان‌دهنده اعتقاد به حاکمیت یک تفکر برنامه‌ای برای اداره کشور است؛ محتوای این اسناد و برنامه‌ها نیز بیان‌گر آن است که ضرورت برخورداری از یک ادبیات مشترک و یک برنامه همگانی برای عمل براساس برنامه، مسلم و واجب فرض شده است. این طرز تلقی نیز به تعبیر «ادگار شاین» مبتنی بر فرهنگ یا الگویی از مفروضات اساسی مشترک است که از تجربیات خود و دیگران آموخته‌ایم. می‌توان

دیگر آن‌که مطالعات نشان می‌دهد که اغلب الگوهای توسعه، به‌ویژه در کشور ما، با محوریت اقتصاد تدوین می‌شود. در نتیجه، احساس نیاز به ارزیابی نقش فرهنگ در الگوی توسعه و درک ضرورت ایجاد تفاهم و انگیزش ملی، به‌منزله یک احساس جمعی و مورد پذیرش همه دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه مطرح نیست (پیکاک، ترجمه محمد بیگی، ۱۳۷۴) و این در حالی است که «توسعه ملی» فرایندی بسیار پیچیده، فراگیر و پویاست که طی آن، جامعه از یک دوران تاریخی به دوران جدیدی انتقال می‌یابد. در جریان این تغییر و تحول، از یک‌سو تمامی ابعاد زندگی در مجموعه‌ای از روابط متقابل بر چگونگی سرعت این فرایند تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، فرایند توسعه در هر یک از مراحل انتقال خویش، ابعاد مختلف زندگی را متحول می‌سازد. برآیند این تعاملات پیچیده و چندسویه، پدید آمدن جامعه‌ای نو است که تمامی ابعاد زندگی در آن به‌شدت و به‌صورت بنیادین نسبت به وضعیت پیشین خویش متحول می‌شود. (عظیمی، ۱۳۷۴) بنابراین پرداختن به نقش و جایگاه فرهنگ، به‌ویژه در اسناد و برنامه‌های توسعه به‌مثابه یک ضرورت و عامل کارایی و اثربخشی آن‌ها به‌شمار می‌رود.

نگارنده در این مقاله به‌دنبال تبیین این نکته است که توجه به نقش و جایگاه فرهنگ در اسناد و برنامه‌های توسعه، به‌ویژه سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، به‌عنوان مهم‌ترین سند فرادستی و مبنایی پس از قانون اساسی، از ابعاد مختلف بسیار حائز اهمیت است و شرط پای‌بندی به الزامات سند و تحقق آن محسوب می‌شود و در تمامی مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی و نظارت بر چگونگی تحقق بن‌بند سند چشم‌انداز کارساز و راه‌گشاست؛ از این‌رو تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت مهندسی فرهنگی نیز برخاسته از درک چنین اهمیت و ضرورتی است.

مسائل مربوط به انطباق خارجی و انسجام و یکپارچگی داخلی را با استفاده از آن‌ها حل کرد و راه درست درک کردن، فکر کردن و احساس کردن در ارتباط با مسأله‌های فوق را امکان‌پذیر ساخت. (Schien ۱۹۹۲)

اگر از قانون اساسی که میثاق ملی ماست و جامعه آرمانی را جامعه‌ای مبتنی بر اصول پنج‌گانه دین مبین اسلام با ویژگی‌های اجتهاد پویا و مستمر، عدالت اجتماعی و حاکمیت قسط و عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معرفی کرده است (اصل اول قانون اساسی ج.ا.ا.) بگذریم، نگاهی دقیق به اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای نشان می‌دهد که نقش و جایگاه فرهنگ در چشم‌انداز به‌عنوان مهم‌ترین سند توسعه کشور، از نقش و جایگاهی اساسی و زیرساختی برخوردار است؛ زیرا نظام جمهوری اسلامی ایران براساس این سند در پی آن است تا در یک افق زمانی مشخص (بیست سال) و در قالب چهار برنامه پنج ساله، کشور ایران را به کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل برساند. البته در اختیار گرفتن چنین جایگاه باشکوه و آکنده از منزلتی، نیز مستلزم برخورداری از شهروندانی با ویژگی‌های ده‌گانه زیر است که لازمه رشد و توسعه و دستیابی به جایگاه موردنظر است:

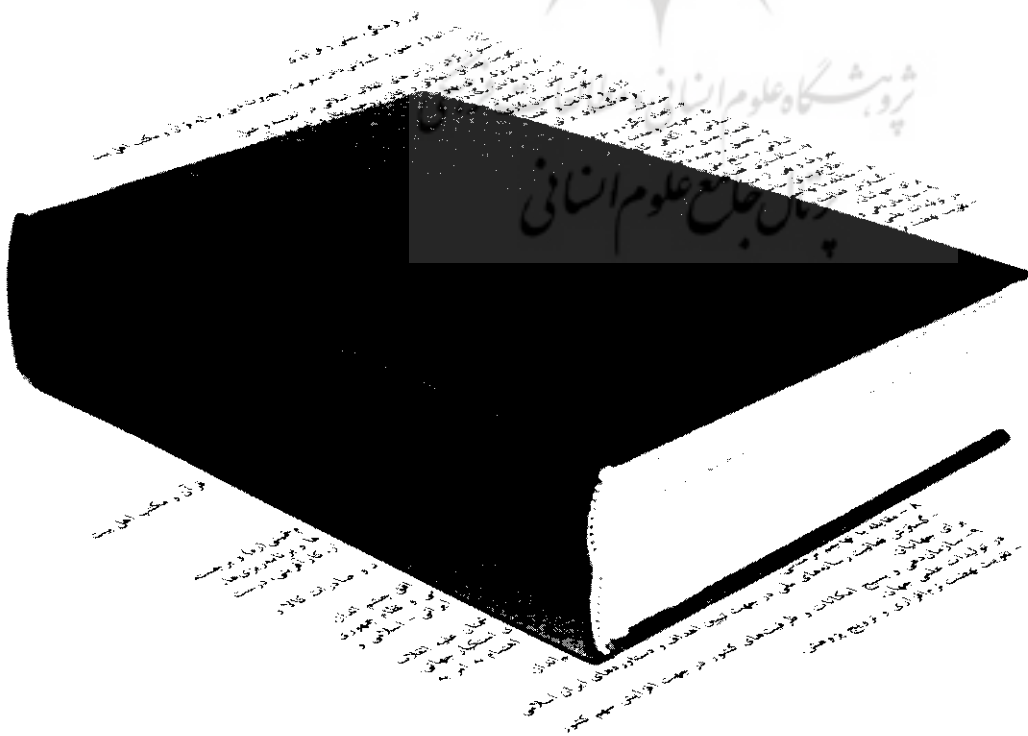
فعال، مسؤولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

فصل نهم برنامه چهارم توسعه، نخستین گام برنامه‌ریزی برای تحقق فرهنگ سازنده و تقویت‌کننده پرورش انسان مطلوب یا شهروندان و جامعه ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز است. این افق پنج‌ساله در ۱۵ فصل به اضافه ۸ فصل تبیین شده که از قانون برنامه سوم توسعه به برنامه چهارم عیناً انتقال یافته است. مطالعات برنامه‌های توسعه در جهان نشان می‌دهد که هیچ برنامه‌ای برای توسعه تحقق پیدا نخواهد کرد مگر آن که بستر و محیط مناسب

اجرای آن فراهم آید. این بستر و محیط مناسب را فرهنگ توسعه می‌نامند. واقعیت این است که علی‌رغم ظرفیت‌هایی که در اسناد توسعه فراوری ما گذاشته شده است و با توجه به معنای وسیعی که برای فرهنگ در نظر گرفته شده است، دیده می‌شود که فرهنگ به‌لحاظ عملی و کاربردی به این معنا فهم نشده است و با این مفهوم وسیع و زیر ساختی که در اسناد و برنامه‌های توسعه آمده است، نهاد متولی خود را نیافته است. نگاهی اجمالی به فرمان حضرت امام (قدس سره) مبنی بر تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و اسان‌نامه این شورا و نیز برخی از فرمایش‌های ایشان و توصیه‌های مکرر مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که این شورا باید نقشی زیرساختی و اساسی را ایفا کند؛ ولی شواهد نشان می‌دهد که این شورا نیز به سبب فقدان نظام جامع فرهنگ کشور، به‌صورت بخشی و موردی به موضوعات فرهنگی پرداخته، و در پاره‌ای از موارد نیز با عهده‌داری بعضی از امور اجرایی، از رسالت اصلی خود دور افتاده است. از این‌رو، بیش از آن‌که به فرهنگ به‌عنوان بستر توسعه در ابعاد مختلف بنگرد، آن را به‌طور محدود در کانون توجه قرار داده و در عمل نتوانسته است این مهم را آن‌گونه که بایسته و شایسته است به انجام برساند. همین عامل است که امروز و در این برهه زمانی، ضرورت مهندسی فرهنگی و پرداختن به آن را تحت نظارت و مدیریت شورای عالی انقلاب فرهنگی الزامی کرده است.

با بررسی اسناد فرادستی نظام، آرمان‌ها و اهداف موردنظر از یک سو، و ابزار تحقق آن‌ها از سوی دیگر که خود مستلزم روی آوردن به ساز و کارهای عقلانی تحقق اهداف و آرمان‌های ترسیم‌شده است، درمی‌یابیم که برای دستیابی به انسان مطلوب یا شهروندانی با ویژگی‌های ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز و برخورداری از کشوری با جایگاه و ویژگی‌های ذکرشده در سند چشم‌انداز و با توجه به اسلامی بودن جامعه ایران، نخست لازم است شاخص‌های اخلاق اجتماعی و فرهنگی عمومی را با استفاده از مهم‌ترین سند اسلامیت نظام و جامعه ایرانی - اسلامی، یعنی قرآن، سامان داد و پس از آن به تعیین شاخص‌های فرهنگ توسعه پرداخت و سپس فرهنگ توسعه در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی،

نگاهی دقیق به اسناد و برنامه‌های توسعه‌ای نشان می‌دهد که نقش و جایگاه فرهنگ در چشم‌انداز به‌عنوان مهم‌ترین سند توسعه کشور، از نقش و جایگاهی اساسی و زیرساختی برخوردار است

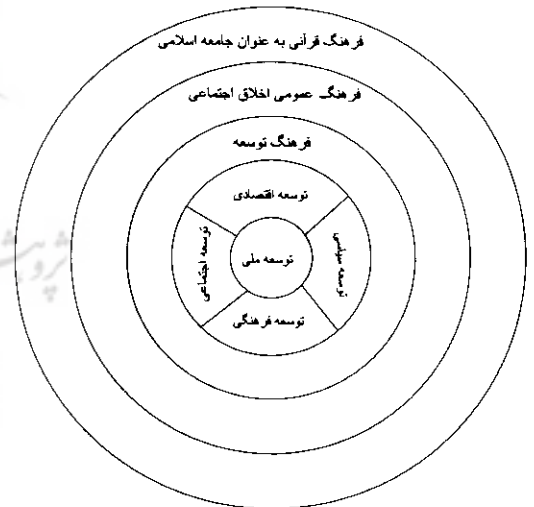




متاسفانه فرهنگ قرآنی در کشور ما و اشاعه آن تنها در حفظ و قرائت قرآن و برگزاری نمایشگاه خلاصه شده است و به‌عنوان فرآیندی که باید از لفظ به معنی، از معنی به عمل و برجسته‌سازی شاخص‌های مسلمانی و جامعه اسلامی بینجامد، مورد توجه قرار نگرفته است

اجتماعی، این سند نیز به بایگانی پیوست و مبنای فعالیت‌های دیگر قرار گرفت و در زمینه فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی نیز به‌رغم کارهای پراکنده صورت گرفته، فعالیت فراگیر و چشم‌گیری انجام نشده است. افزون بر این فرهنگ توسعه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به معنای خاص آن نیز کم‌تر مورد توجه بوده است که همین مسأله را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل ناکارآمدی و اثربخش نبودن اسناد و برنامه‌ها در این عرصه‌ها و در نتیجه، دست‌نیافتن به آرمان‌ها و اهداف مورد نظر برشمرد.

سیاسی و فرهنگی به معنای خاص را در کانون توجه قرار داد تا با سامان‌دهی این لایه‌ها و ابعاد، شاهد توسعه پایدار ملی باشیم. (رجوع شود به شکل شماره ۲)



نمودار شماره ۲: ضرورت سامان‌دهی فرهنگ در لایه‌ها و عرصه‌های مختلف متاسفانه فرهنگ قرآنی در کشور ما و اشاعه آن تنها در حفظ و قرائت قرآن و برگزاری نمایشگاه خلاصه شده است و به‌عنوان فرآیندی که باید از لفظ به معنی، از معنی به عمل و برجسته‌سازی شاخص‌های مسلمانی و جامعه اسلامی بینجامد، مورد توجه قرار نگرفته است. به این سبب است که روی‌کردهای این فرهنگ توسعه، متولی جامع و کارآمدی ندارد و با وجودی که هر از چندگاه گام‌هایی برای تحقق نظام جامع فرهنگ قرآنی در کشور برداشته می‌شود، ولی می‌بینیم که در همان گام‌های نخست در عرصه بخش‌های خاص متوقف می‌شود و به سطح جامعه و عرصه عمومی کشیده نشده است و با وجود فوائد بسیار که از فعالیت‌های انجام‌شده در این زمینه نصیب همگان شده است، هنوز هدف مورد نظر تحقق نیافته است. در عرصه فرهنگ عمومی نیز علی‌رغم تدوین طرح نظام جامع فرهنگ عمومی یا اخلاق

منابع و مأخذ

- پیکاک، آلن، ایزو، ایلده، اقتصاد فرهنگ و سیاست‌های فرهنگی، ترجمه علی اعظم محمدیگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶
- دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در محضر ولایت، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی،
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آذر ماه ۱۳۸۲
- سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، آذرماه ۱۳۸۲.
- عظیمی، حسین، فرهنگ و توسعه ملی (یک تحلیل نظری)، سمینار توسعه فرهنگ، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خرداد ۱۳۷۴
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با رعایت اصلاحات ۱۳۶۸)، مجلس شورای اسلامی، تیرماه ۱۳۷۵.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹
- موسسه سیمای جوان (۱۳۸۲)، نظام جامع توسعه اخلاق اجتماعی (فرهنگ عمومی)، به سفارش شورای فرهنگ عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

منبع لاتین:

- Schein, Edgar (1992) - Organization, Culture and Leadership. Jossey Bass